



رفتار با کودکان

toloes@hotmail.com

فرزاد ادیبی کارشناس تعلیم و تربیت

اول کودکان: آیتیسیم (autism) چیست و با کودکانی که به آیتیسیم مبتلا هستند، چگونه باید رفتار کرد؟

بخش ۱

من قبل از هر چیز خیلی کوتاه بگویم که در آغاز قرن بیستم، برای اولین بار روانشناسان به بخشی از بیماران روانی که نوع خاصی از شیذوفرنی داشتند را، آیتیسیم می گفتند. و این نظر تا اوایل دهه ۸۰ بود که آیتیسیم را یک نوع بیماری روانی می پنداشتند. اما بعد از تحقیقات بسیار و از نزدیک هزاران کودک، محققین به این نوع نتیجه رسیدند که این یک نوع بیماری جسمی (اعصاب، nervous disorder) است که کودک با آن متولد می شود از همان آغاز کودکی این بیماری که خودش را مشخصاً در حیطه رابطه گرفتن کودک با محیط خود، بویژه روابط اجتماعی (communication) نشان می دهد، همچنین به شکل عدم تمرکز حواس نزد کودک، کندی آموختن، عدم تشخیص روابط بین پدیده ها و موضوعات پیرامونی و اجتماعی، متمرکز شدن حواس کودک بر یک جزء یک حادثه و یا یک محیط، بروز می کند. متخصصین معتقد هستند که این یک نوع کمبود توانایی رابطه گیری است که کودک با آن متولد می شود. این می تواند، ارشی باشد و یا بر اساس شرایط خاصی در پروسه رشد جنین و همچنین حادثه ناهنجاری در زمان تولد، به وجود بیاید.

در همین گذشته نه چندان دور، مردم این کودکان را "ابله" و "احمق" می دانستند. بازیگوش و بی تربیت نامهای دیگری است که به آنان می دادند. رفتار بخشی از این کودکان غیر اجتماعی است. به این معنا که سر میز غذا مانند دیگر کودکانمان غذا نمی خورند. ممکن است دائم وول بخورند و یا ساکت و آرام فقط با غذا بازی کنند. خیلی ساده بگویم که روتینهای زندگی را مانند آداب غذا خوردن، خوابیدن، دوش گرفتن و . . . را این کودکان به راحتی یاد نمی گیرند. آنان را به حال خود رها کردن و با خود فکر کنیم که بلاخره یاد می گیرند، کار بسیار خطای است. چرا که هر چه زوتر به مشکل این کودکان، یعنی در آغاز کودکی، پی ببریم، بهتر و موثرتر می توانیم به آنان کمک کنیم. کودکانی که با این مشکل مواجه هستند با هر شکستی در تلاش برای رابطه گرفتن با محیط خود، یافتن دوست، انجام تکلیف مدرسه، اعتماد به نفس خود را، بیشر و بیشتر از دست می دهند. شاید تا زیر هشت سالگی این موضوع آنچنان برای آنان سرنوشت ساز نباشد اما بعد از این سن و تا

صفحه ۲

قتل ۲۲ کودک یک کار بزرگ لازم است!

آن جامعه و قربانیان بیدفاعی بودند که به خشن ترین شکل پریر شدند.

پلیس جنائی، این پرونده قتل سریال را پرونده "دو شغال" نامیده است. "دو شغال"، یعنی محمد و علی، اعتراف کردند که یکی ۱۵ نفر و دیگری ۱۰ نفر را به قتل رساندند. دو مرد و یک زن هم توسط اینان به قتل رسیدند. تردید نباید کرد که محمد و علی انسانهای معمولی نیستند. اینها بیمار اند. اینها خود قربانی اند. یکی از قاتلین انگیزه قتل را تجاوز در دوران کودکی عنوان کرده است. انگیزه شناسی این پدیده را

صفحه ۳

مرغداری در خیابان حصار امیر بوده است. برخی گزارشات پیرامون این واقعه عنوان میکنند دلیل اینکه پلیس جنائی در ایران در یکسال گذشته به این موضوع اهمیتی نداده است، اینست که عمده این کودکان معصوم از کارگران افغانستانی بودند که در مزارع ذرت و کوره های آجرپزی این منطقه مشغول بکار بودند. از راسیسم و ناسیونالیسم شنیع ایرانی اسلامی و سیاست کثیف این حکومت همه چیز بر می آید. اما کودکان متولد ایران هم وضع بهتری ندارند. کودک دین و مذهب و ملیت و ایدئولوژی ندارد. اینها همه کودکان آن جامعه، شهروندان



سیاوش دانشور

از مهمترین اخبار این هفته فاجعه قتل ۲۲ کودک ۸ الی ۱۱ ساله توسط دو جوان ۲۵ ساله در فاصله یکسال گذشته بود. شهر ری در حومه تهران و محلات قیام دشت و پاکدشت، منطقه ربودن این کودکان، تجاوز به آنها، قتل آنها و دفنشان در حوالی یک

وضعیت کودکان پناهجو یک بررسی کوتاه

جامع مختلف این پدیده فراوان است و دقیقاً بستگی به یک سری فاکتور های اجتماعی دارد. مثل وجود خدماتی که انسانها در اختیار داشته باشند تا به معضلاتشان جواب بدهند. امنیت زیستی، شغلی، اجتماعی و رفاه در جامعه باعث میشود که آدمها راحت تر زندگی کنند و راحت تر میتوانند با مشکلات شخصی خود دست پنجه نرم کنند. بنابراین یکی از علل

صفحه ۴

آمارش بالاست دلیل اولش این است که حقوق و حرمت انسانها برسمیت شناخته نمیشود و فرد در جواب دادن به مسائل خود دچار یاس و ناامیدی میگردد و یا در زمانی که انسانها راه چاره ای نمی یابند دچار جنون آتی میشوند و برای برون رفت از آن دست به خودکشی، خودزنی و ناقص کردن جسم خود میزنند. همچنین پدیده خودکشی تنها مربوط به پناهجویان نیست بلکه در



اسماعیل مولودی

قسمت نهم

خودکشی در بین کودکان پناهجو یکی از مواردی است که کمتر میدیا و روزنامه ها بدان اشاره میکنند. از نظر روانشناسی اجتماعی در جامعه ای که خودکشی

زندگی شاد، امن و خلاق حق مسلم کودکان است

سردبیر هفته نامه

«اول کودکان» امیر توکلی

tel:
00 358 405 821 776
e.mail:
tavakoli@hotmail.com

مسئول مرکز پخش: شهلا خباززاده

ava_kodakan1@yahoo.de
Shahlabazzade@aol.com

رئیس

کمپین بین المللی دفاع از حقوق کودکان «اول کودکان» ثریا شهابی

tel:
00 44 7 981 343 101
e.mail
soraya_shahabi@yahoo.com

Main Office:
Chair Person,
Soraya Shahabi
CF, BM Box 1919
London WC1N3XX
England
Tel: 44-798 134 3101
Fax: 1-413-639-1602

تلویزیون اول کودکان در کانال جدید

Satellite: Telstar 12
Center Frequency:
12608 MHz
Symbol Rate: 19279
FEC: 2/3

Polarization:
Horizontal

آدرس اول کودکان در سوئد

www.barnenforst.com
barnenforst@hotmail.com

ادامه

وضعیت کودکان پناهجو

خودکشی وضعیت اجتماعی، زیستی و اقتصادی، سیاسی و روحی آدمهاست. بنابراین مسئله خودکشی بعنوان یک فاکتور اجتماعی و در یک پرسپکتیو اجتماعی معضلی است جدی اما شدت و ضعف آن بستگی به سیستم اجتماعی و رفاه در جامعه دارد.

پدیده خودکشی بین پناهجویان یکی از مشکلات حادی است که جامعه پناهجو درگیر آن است. اصولاً وقتی آدمها در تنگناهای زندگی قرار میگیرند و راه برون رفت از آنرا نمیدانند و یا نمیتوانند مشکل را حل کنند و در مورد پناهجویان بعلاوه سیاستهای دولتها اساساً زندگی پناهجویان به بازی گرفته میشود. حرمتشان لکه دار میگردد و ابتدایی ترین حقوق انسانی خود را از دست میدهند. در این حالت ساده ترین راه برای تعداد فراوانی از پناهجویان خودکشی است. خانم لینا نیگرن سخنگوی دفاع از حقوق کودکان در سوئد میگوید شدت نگران وضعیت کودکان پناهجویی است که اقامت ندارند و با توجه به فشاری که به آنها میآید ناچار میشوند دست بخودکشی بزنند. این مسئله، یعنی خودکشی بین کودکان پناهجو در سالهای اخیر بالا رفته خیلی نگران کننده است باید مسئولین دولتی به آن توجه کنند. بیمارستانهای روانی در سوئد بطور دائم با این مسئله درگیر هستند و هر روز این مسئله بزرگتر میشود. طبق آمار رسمی اداره امور اجتماعی سالانه ۱۵۰۰ نفر در سوئد خودکشی میکنند و میانگین سنی آنها خیلی پایین میباشد. یعنی به زبانی دیگر آمار خودکشی کلاً در جامعه بالاست. مثلاً در کمپ گیمو دو سال قبل طبق اطلاع روزنامه داگنز نی هیتز ۵ کودک پناهجو در تلاش برای خودکشی بودند. اندریاس تونستروم که روانشناس است

و در بخش روانی در استکهلم کار میکند به روزنامه داگنز نی هتر میگوید (۲۴ مای ۲۰۰۴) میگوید وضعیت کودکان مهاجر وخیم است و آمار خودکشی در بین آنها بالاست. ادامه میدهد و میگوید، دولت هر دفعه قول بهبود میدهد اما اجرا نمیشود. در همین روز نامه اشاره شده که بیش از ۱۵۰ کودک بین ۷ تا ۱۱ ساله قدرت تماس و نزدیکی با اطرافیان خود را از دست داده اند، غذا نمیخورند و عمدتاً در رختخواب هستند و تحرک ندارند که بزبان سوئدی این حالت را آپاتسکا میگویند Apatiska.

خانم ماریا هلسله Hesel Maria رئیس بخش روانی پناهجویان در استکهلم و دکتر ستن لوند کوئیست Sten Lundqvist نام سرگشاده ای دو سال قبل به وزارت امور مهاجرین در رابطه با کودکان پناهجو نوشتند و گفتند که خودکشی بین کودکان پناهجو وحشتناک است و پیشنهادات مکتوبی در این رابطه به دولت دادند. ولی این مواردی است که به رسانه ها میرسد و جامعه از آن آگاه است یا اینکه با توجه به فعالیت سازمانهای انسان دوست در سوئد این مسائل در جامعه دنبال میشود. حال وای به حال کودکانی که در کشورهای نظیر ایران مثل کودکان مهاجر افغانی و یا کشورهای مثل انگلیس هستند. وقتی در کمپ پناهجویان در کارسلوند پسر ۱۴ ساله ای خود را حلق آویز کرد و جان سپرد موجی از وحشت در کمپ بوجود آورد. در کمپ گیمو هنوز وحشت از خودکشی کودکان بین والدین وجود دارد. دختر پناهجویی که دست بخودکشی زد اما خوشبختانه نجات یافت میگوید، خودکشی آخرین راه بود. هر وقت به رنگ زرد خود در آیینه و قیافه غمگین مادرم و برادر کوچکم نگاه میکردم همه وجودم میلرزید.

در مدرسه خود را همیشه تنها حس میکردم. وقتی آدم اقامت ندارد بخودش هم اعتماد ندارد. من حالا ۱۹ ساله هستم وقتی دست بخودکشی زدم ۱۷ سالم بود. قریب به سه سال منتظر اقامت بودیم. او اکنون دوران دبیرستان را میگذراند و پیامش برای همگی پناهجویان این است که بجای مایوس شدن و دست زدن به کاری که عواقب وخیمی دارد نباید زد. او میگوید با وجود تشکیلاتی مثل فدراسیون نباید خود را تنها دید. بعد از گذشت چند سال هنوز وقتی بیاد آن دوران میافتم

ادامه دارد

”اول کودکان” برگزار میکند سومین کنفرانس اول کودکان کودکان اول چرا و چگونه؟ کنفرانسی در مورد جهانشمول بودن حقوق کودک ۲۰ و ۲۱ نوامبر، استکهلم

اطلاعات بیشتر در مورد سومین کنفرانس اول کودکان در اطلاعیه های بعدی به اطلاع میرسد.
لطفاً برای کسب اطلاعات و ثبت نام برای شرکت در این کنفرانس با آدرسهای زیر تماس بگیرید
۴۴-۷۹۸ ۱۳۴ ۳۱۰۱
۴۶-۰۸-۵۳۱۸۴۲۳۹
۴۶-۷۶ ۲۳۴ ۴۲ ۸۲

parvaneh.ahmadi@comhem.se
karimshamohammadi@yahoo.se
avalkodakan@yahoo.co.uk
www.childrenfirstinternational.org

رفتار با کودکان

ادامه
ده سالگی موضوع بسیار حساس می شود و اگر کودک به موقع کمک حرفه ای نگیرد و به سن ۱۴-۱۵ سالگی نزدیک شود، آینده نامطمئن، ناروشن و پر از ابهام در برابرش خواهد بود.

چگونگی تشخیص آیتیسیم در نزد کودکان و چگونگی رفتار ما با آنان را در شماره بعد مورد بحث قرار خواهیم داد.

اول کودکان
دوشنبه ها منتشر میشود

دست مذهب از زندگی کودکان کوتاه

ادامه

قتل ۲۲ کودک

باید بعهدہ روانکاوان گذاشت، اگر فرصتی برای اینکار بدهند. حتما بزودی این دو قاتل را در همان محل قیامدشت شهر ری در ملا عام بدار می‌آویزند و پرونده را میبندند! اما دیگر آن ۲۲ کودک معصوم برنمیگردند. دیگر کودکان زنده امنیتشان حفظ نمیشود. دیگر کودکان خیابانی، کودکان کار، کودکانی که توسط باندهای قاچاق فروخته میشوند، کودکانی که ۹ ساله توسط اسلام و حکم خدا و قرآن در جشن تکلیف زن اعلام میشوند و قانونا و شرعا میشود مورد تجاوزشان قرار داد، مصون نیستند. اگر قرار بود به مسببین این معضل اجتماعی، به مسببین میلیونها کودک خیابانی، به مسببین خشونت روزمره علیه کودکان، به مسببین سواستفاده جنسی علیه آنها، به کسانی که کودکان را هزار هزار در میدانهای مین جنگ ایران و عراق لت و پار کردند، با سیاست اعدام پاسخ داد، باید طیف وسیعی از دولتمردان، سیاستمداران، آخوندها، کارفرماها، مدرسالارها، پدوفیل‌ها و حتی افراد خانواده را هر روز اعدام کرد. اینجا بحث برسر مجازات اعدام نیست که عملی شنیع و خود قتل عمد است و باید فوراً لغو شود. اعدام هزاران "شغال حکومتی" هم هیچ کودکی را خوشبخت نمیکند. بحث برسر تامین امنیت و سعادت و رفاه کودک است که در یک جامعه تماماً لگد مال شده است. سوال واقعی یعنی وضعیت اسفبار کودکان هنوز در مقابل ماست. چگونه باید به این وضعیت خاتمه داد؟ سعادت و شادی و امنیت

و رفاه و آموزش کودکان در یک جامعه هفتاد میلیونی سوالی است که باید پاسخ بگیرد.

این موضوعی بسیار مهم و به تک تک ما مربوط است. در جامعه ای که نفرت تولید میکند، خشونت بازتولید میکند، کودک را مثل حیوان نگاه میکند، قوانین اش علیه کودک و حال و آینده اوست، سرمایه و سود سلطنت میکند و قانون از فیلتر آخوند و اسلام میگذرد، صحبت کردن از آزادی و رفاه کودک مسخره است. هر درجه‌ای تلاش برای بهبود حقوق کودکان، هر درجه تلاش برای تغییر نگاه جامعه به حرمت و حق کودک بسیار ارزشمند و مهم است و یک وجه تعطیل ناپذیر تلاش جنبش آزادیخواهانه باید باشد. اما منشأ این بدبختی و واپسگرایی بزرگ نفس این حکومت است. منشأ فساد و جنایت و فقر و تباهی و سقوط اخلاقی جامعه این حکومت است. در جامعه ای که قتل و جنایت و خشونت و سرکوب و زن ستیزی و کودک آزاری یک وجه لاینفک آن است، خوشبختی کودکان متحقق نمیشود. این جامعه را باید زیر و رو کرد.

در دفاع از کودکان
پاخیزیم!

سه سال پیش در بلژیک چند پدوفیل چند کودک را ربودند، به آنها مکرراً تجاوز کردند که دو یا سه نفر آنها جان سپردند. این خبر در صدر اخبار مهم جهان قرار گرفت و مدتها روی آن و شیوه مقابله با آن بحث شد. در باره قوانینی که امنیت کودکان را بالا میبرد، در باره سختگیری‌های مطبوعاتی، در باره رابطه و نزدیک شدن با کودکان، در باره تعمیق نگاه جامعه به

حرمت و حقوق کودک. برای همبستگی با قربانیان این فاجعه و خانواده هایشان و برای جلوگیری از پمپاژ تنفر در جامعه، میلیونها شهروند این کشور به خیابانها آمدند و در یک مراسم بزرگ همبستگی قربانیان و بازماندگان را در آغوش گرم محبت و همدردی قرار دادند. این اقدام مردم بلژیک یک اقدام بسیار مهم و تاثیرات آن در جامعه غربی تعیین کننده و دیرپا بود.

مردم ایران در قبال چنین فاجعه ای باید مبتکر چنین اقداماتی شوند. برپائی اجتماعات بزرگ همراه با گل و شمع و شعارهای دفاع از حقوق و امنیت و رفاه کودکان در سراسر ایران، برپائی سخنرانی و مراسمهای متعدد بزرگداشت برای این کودکان، برجسته کردن روحیه همبستگی انسانی و نگاه انسانی جامعه به حقوق کودک امروز کاری بسیار حیاتی و مهم است. فاجعه قتل ۲۲ کودک یک کار و عکس العمل بزرگ میخواهد. سازمانهای غیر دولتی و فعالین حقوق کودک، کارگران و فعالین کارگری، فعالین جنبش آزادی زن، جوانان و دانش آموزان، معلمان و دانشجویان باید به این موضوع با حساسیت برخورد کنند. اشتباه است اگر این موضوع را به یک پرونده جنائی صرف تقلیل دهیم. این یک واقعه مهم در حیات آن جامعه است. این رویدادی است که همه را باید تکان دهد و به حرکت در آورد. نباید اجازه داد جمهوری اسلامی و سرمایه داران مفتخور که خود بانی اصلی این جنایت اند در مقام قاضی و دادستان ظاهر شوند و با اعدام دو فرد بیمار پرونده

من میخواهم
به مدرسه بروم!

ادامه

کودکان ما،
قربانیان جامعه اسلامی!

تراژدی بی شک تکرار و بصورت وحشتناکی هم تکرار خواهد شد. جامعه ای که در آن کودکان ما در امنیت کامل بتوانند از رشد روحی و جسمی سالم و کاملی برخوردار شوند، آرزوی همه ما پدران و مادران و مردم ایران است. این آرزو را باید تحقق بخشید و قدرتی را به جای جمهوری اسلامی نشانند که سرلوحه برنامه اش، دفاع بی قید و شرط از حق و حقوق کودکان به عنوان انسانهای برابر جامعه است. قدرتی که تنبیه بدنی و روحی کودکان را بی درنگ غیر قانونی اعلام می کند، کار کودکان و بیگاری کشیدن را به هر عنوان و توسط هر شخصی، ممنوع اعلام خواهد

را مختومه اعلام کند.

انسانیت در جامعه ایران باید مثل یک دریای خروشان علیه این وضعیت عرض اندام کند و عکس العمل نشان دهد. در دفاع از امنیت و رفاه و خوشبختی کودکانمان باید متحدانه پپاخیزیم!

مردم ایران باید در ابعاد میلیونی بخاطر این کودکان معصوم، بخاطر کودکان خیابانی، بخاطر کودکان کار، بخاطر امروز و آینده کودکان جامعه بحرکت در آیند.

مسکن، تغذیه، بهداشت و رفاه برای همه کودکان



یک زندگی امن، مرفه و انسانی برای کودکان مان!

که ما توان این را داریم. عزیزان، این جنایاتی که در حق کودکان ما در ایران می شود نابخشودنی است. نباید بگذاریم که جامعه در بی خبری بماند. باید به هر طریق ممکن و بر اساس امکاناتمان به افشای این جنایات و مسببین آن بپردازیم. همزمان باید حتی برای نجات یک کودک از این، جهنم، تمام تلاشمان را بکنیم. ما در قبال این نسل، مسؤولیم. در آینده ای نه چندان دور، این نسل ما را مورد سؤال قرار خواهد داد. باید بتوانیم به عنوان انسانهایی مسؤول و پایبند به حقوق جانشمول کودک، پاسخگوی این پرسشها باشیم.

دستها را بالا باید زد و بیدرنگ شروع کرد. هم اکنون تعداد بسیاری انجمن و گروه دفاع از حقوق کودک، در سراسر ایران وجود دارد. اما این کافی نیست. باید در هر کوچه و خیابان و محلی ایران، از این انجمنها، برپا کرد. می توان و باید کرد. کودکان ما، همین امروز به ما نیاز دارند، فردا دیر است.

بکنیم. اگر امکان مجله، هفته نامه، ماهنامه، نشریه و بولتن داریم، باید بدون درنگ به درج و انتشار شرایط زندگی فعلی کودکان در ایران و همچنین آنچه که یک زندگی شایسته انسانی و با احترام به کودکان است، بپردازیم. اگر امکان وسیعی نداریم، می توان با یک بولتن دو صفحه ای که یک محل را پوشش دهد، شروع کنیم. به کمک تکنیک اینترنت، کامپیوتر و چاپگر، می توان یک نشریه چند صفحه ای برای پخش در یک محل، سازمان داد. باید بتوان در محلات و مراکز فرهنگی شهرها، فستیوالهایی را در دفاع از زندگی انسانی برای کودکان، سازمان داد. سازمان دادن این فستیوالها، بسیار ساده است. از خود کودکان و پدران و مادران، می توان کمک گرفت. نمایش نقاشی کودکان که هر کدام، آرزوها و خواستههایشان را در نقاشی شان تجسم می کنند، کاری است که محتاج بودجه مالی زیادی نیست. چاپ اشعار، نوشته ها و آرزوها کودکان در مجلات، روزنامه ها و رسانه های دیگر نیز می توان به هدف شما کمک بسیاری بکند. در هر صورت هزاران ابتکار را می توان به کار برد. با اطمینان می توان گفت

فرزاد ادیبی

حتماً اخبار کودکان خیابانی، کودکان کار، کودکان قربانی شکنجه های خانگی و این اواخر کودکان قربانی جنایت دیگر "قربانیان" جامعه را خواندید و شنیدید. روزنامه های داخل کشور پر از این اخبار دهشتناک است. من در یک نوشته کوتاه به چگونگی قتل ۲۲ انسان کوچک، ۲۲ کودک بی گناه، پرداختم. اما با یک یا دو نوشته، با یک یا دو اطلاعیه و یا مصاحبه نمی شود به جنگ این سیستم جهنمی اسلامی که با هزار و یک نیش زهرآلود به جان کودکان جامعه ما افتاده است، رفت. دستهای ما پدران و مادران و همه انسانهای شریفی که معترض این شرایط تحمیلی و غیر انسانی به کودکان هستند، باید به هم گره بخورد. باید هزاران انجمن و مجتمع دفاع از حقوق کودکان، در سراسر ایران تشکیل دهیم. باید در هر محله ای که زندگی می کنیم انجمن دفاع از زندگی انسانی برای کودکان را، تشکیل داده و شروع به فعالیت علنی برای جلب همکاری اکثریت اهل محل

ما منتظر اخبار، مقالات، نظرات و پیشنهادات شما هستیم.

کودکان ما، قربانیان جامعه اسلامی!

فرزاد ادیبی

است؟ چرا رسانه های کشور این واقعه هولناک را زودتر انعکاس ندادند؟ و اینبار هم مثل همیشه و به حق انگشت اتهام مردم به سوی رژیم اسلامی نشانه رفته است. جمهوری اسلامی مسبب فقر و بیکاری این جوانان است. مسؤلیت ناامن بودن جامعه برای کودکان تنها به گردن جمهوری اسلامی است. این جمهوری اسلامی است که برای جان شهروندان خود سرسوزنی ارزش قائل نیست. فقر و بدبختی که جمهوری اسلامی به جامعه تحمیل کرده است باعث شده که خانواده ها امنیت کودکان خویش را جدی نگیرند. کوچه و خیابانهای شهرها، محل امنی برای کودکان بیگناه نیست. پدران و مادران، نباید کودکان خود را بدون حضور خود یا یکی از نزدیکان خود، به تنهایی روانه کوچه و بازار، کنند. صفحه حوادث روزنامه های داخلی که فقط گوشه کوچکی از جنایاتی که در حق کودکان آن جامعه می شود، انعکاس می دهند پر از خبرهای وحشتناک سواستفاده جنسی از کودکان، بیکاری و به برده کشیدن کودکان بی سرپرست، شکنجه و قتل آنان است. خانواده ها به حق انگشت اتهام را به سوی جمهوری اسلامی و پلیس آن دراز کرده اند. اما بدون هوشیاری و حضور فعال همین خانواده ها در زندگی کودکانشان، این

تیتتر خبر چنان وحشتناک است که آدمی چشمش را باز و بسته می کند که شاید اشتباه می بیند، اشتباه می خواند. اما نه درست است، "۲۲ کودک به دست دو جوان مورد تجاوز و به قتل رسیدند". خبر آنچنان دردناک است و چنان سوزشی در قلب انسان ایجاد می کند که خواننده خبر ابتدا، توجهی به اینکه سه تن بزرگسال هم به قتل رسیده اند و اینکه قاتلین دو جوان بیست و پنج ساله کارگر کوره پزخانه هستند، نمی کند. اما بعد از چندی و خواندن چند باره خبر، آدمی به فکر فرو می رود، قاتلین خود قربانیان جامعه ناعادلانه اسلامی هستند. کارگران جوانی که از سر فقر و بیکاری از شمال ایران، خراسان، راهی تهران شده اند تا به کار سخت و طاقت فرسا در کوره پزخانه ها بپردازند. جوانانی که خود قربانی جامعه هستند، قربانیان خود را از همسرانشان خود، انتخاب می کنند. کودکانی که پای برهنه و شکم گرسنه از طلوع آفتاب تا غروب آن سرگردان کوچه و بیابانهای شهرکهای کارگر نشین تهران هستند. این جنایات وحشتناک که در طول یکسال به وقوع پیوسته است، مردم شریف ایران را بشدت آزرده خاطر کرده است. مردم دهها سؤال مطرح می کنند، چرا پلیس در مدت یکسال هیچ اقدامی نکرده

ممنوعیت خشونت جسمی و روانی کودکان